گذر

امید اسدبیگی و شرکا در دادگاه

● مرکز رسانه قوه قضائیه اعلام کرد اولین جلسه دادگاه متهمان پرونده شرکت هفت‌تپه ۲۹ اردیبهشت در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلالگران و مفسدان اقتصادی به صورت علنی برگزار می‌شود.

اسامی متهمان این پرونده و موارد اتهامی آنها به این شرح است:

۱) امید اسدبیگی متهم است به سردستگی سازمان‌یافته اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی

۲) مهرداد رستمی متهم است به مشارکت در تشکیل شبکه سازمان‌یافته اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی

۳) مجتبی کحال‌زاده متهم است به مشارکت در تشکیل شبکه سازمان‌یافته اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی

۴) جواد بصیرانی متهم است به مشارکت در تشکیل شبکه سازمان‌یافته اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی

۵) علی‌اکبر میرزایی متهم است به مشارکت در تشکیل شبکه سازمان‌یافته اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی

۶) مرتضی منزوی متهم است به مشارکت در تشکیل شبکه سازمان‌یافته اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی

۷) اکبر لارجانی متهم است به مشارکت در تشکیل شبکه سازمان‌یافته اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی

۸) مسعود جلالیان متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق معاملات غیرمجاز به صورت شبکه‌ای و سازمان‌یافته

۹) علی‌اکبر فهیمی متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق معاملات غیرمجاز به صورت شبکه‌ای و سازمان‌یافته

۱۰) فرشاد طالبی متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق تخصیص و فروش غیرمجاز حواله‌ها و تسهیلات ارزهای دولتی به صورت شبکه‌ای و سازمان‌یافته

۱۱) مهدی توسلی متهم است به معاونت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق صدور و فروش حواله‌های ارزی و تسهیلات ارزی

۱۲) مرتضی شهیدزاده متهم است به معاونت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق تخصیص و فروش غیرمجاز ارزهای دولتی به صورت شبکه‌ای و سازمان‌یافته

۱۳) میرشمس فخرالدین‌مبارکی متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق فروش غیرمجاز ارزهای دولتی و معاملات غیرمجاز ارز

۱۴) عبدالله پایسته متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق فروش غیرمجاز ارزهای دولتی و معاملات غیرمجاز ارز

۱۵) خلیل‌اله نجفی متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق فروش غیرمجاز ارزهای دولتی و معاملات غیرمجاز ارز

۱۶) رضا انصاری متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق صدور و فروش حوالجات ارزی برخلاف ضوابط و مقررات بانکی

۱۷) احمد سعیدی‌فر متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارز

۱۸) حمیدرضا منتظری‌کرهرودی متهم است به معاونت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق اعمال نفوذ و کارچاق‌کنی

۱۹) سوده شهرخی متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق فروش غیرمجاز حوالجات ارزهای دولتی و معاملات غیرمجاز ارزی

۲۰) شرکت نیشکر هفت‌تپه متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی به صورت شبکه‌ای و سازمان‌یافته

۲۱) شرکت بین‌الملل دنیای معتمد پارسه متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزهای دولتی

۲۲) شرکت آریاک صنعت داتیس متهم است به مشارکت در اخلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز و معاملات غیرمجاز ارزی

جلسه رسیدگی به پرونده هفت‌تپه در تاریخ ۲۹ اردیبهشت رأس ساعت ۹ صبح در شعبه سوم دادگاه ویژه رسیدگی به جرائم اخلالگران و مفسدان اقتصادی به صورت علنی برگزار می‌شود.

کارشناسان نبود ساختار حقوقی صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله (ETF) را مطرح می‌کنند

ظهور ضلع پنجم در اقتصاد ایران

شکوفه حبیب‌زاده: ظهور ضلع پنجمی در اقتصاد ایران، مهم‌ترین پیامد واگذاری سهام دولت در قالب صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله (ETF) است. این بخش نوظهور در کنار دولت، بخش خصوصی، تعاونی و خصولتی، جایگاه جدیدی را تصاحب خواهد کرد که ساختار حقوقی مشخصی برای آن در قوانین موجود تعریف نشده است. واگذاری مالکیت شرکت‌های شاخص کشور که برخی از آنها به‌نوعی حاکمیتی نیز به شمار می‌روند، شیوه مدیریت آنها را نیز دچار چالش جدی می‌کند. فعلا قرار است که این واگذاری بدون انتقال مدیریت، صورت گیرد و بازهم دولت سهیم در مدیریت آن باشد. تا اینجای ماجرا البته با روند خصوصی‌سازی که بر انتقال مدیریت به بخش خصوصی تأکید دارد، مانند سایر خصوصی‌سازی‌های انجام‌شده در کشور، مغایر است، اما قسمت تأسف‌بارتر آن به قانون برنامه ششم توسعه بازمی‌گردد که مقرر است تا پایان این برنامه، مدیریت این شرکت‌ها نیز واگذار شود. اینجا البته بخش خصوصی واحد یا چند بخش خصوصی عمده در قالب بزرگ‌سهام‌دار وجود ندارند، بلکه در قالب صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله (ETF)، مردم سهام‌دار خرد محسوب می‌شوند و باید در مورد سرنوشت این شرکت‌های مهم در اقتصاد کشور تصمیم بگیرند. سؤال اینجاست که آیا امکان برگزاری مجامع به بزرگی ۵۰ میلیون نفر وجود دارد؟ فارغ از امکانی که به نظر می‌رسد اصلا فراهم نیست، دانش فردی افراد عامی مردم در تصمیم‌گیری این شرکت‌ها تا چه اندازه معقول و منطقی خواهد بود؟ در شرایطی که این شرکت‌ها مکلف می‌شوند به سهام‌داران خود حتما سود برسانند، امکانی برای پروژه‌های تحقیق و توسعه و ایجاد زنجیره‌های ارزش در تولید محصولات به‌ویژه در شرکت‌های پالایشی و پتروشیمی وجود خواهد داشت؟ آیا این اقدام روی دیگر تقویت خام‌فروشی و افت کیفیت محصولات صنعتی در کشور به شمار نمی‌رود؟ نکته قابل تأمل آنکه، آیا دولت کنونی در حال سهم‌گیری از دارایی‌های دولتی برای ماندن در قدرت در دولت‌های بعدی است؟

عکس: سهند تاکی، شرق

کدام شرکت‌ها به صندوق ETF می‌روند؟

بنا بر اطلاعات موجود، ۱۴ شرکت اعلامی برای واگذاری در قالب صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله (ETF)، از جمله ۱۸ شرکتی هستند که قرار بود در بهار سال ۱۳۹۸ به‌صورت بلوکی و نقدا واگذار شوند، اما با وجود عرضه در مجمع، هیچ خریداری سراغ آنها را نگرفت.

فرایند اجرائی واگذاری سهام دولت در این ۱۴ شرکت، بر اساس مصوبه هیئت وزیران در ۱۷ فروردین سال جاری، در قالب سه صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله با عناوین زیر به تصویب رسید:

۱. صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله واسطه‌گری مالی (شامل باقی‌مانده سهام متعلق به دولت یا شرکت‌های دولتی در شرکت‌های بیمه البرز، بیمه اتکایی امین، بانک‌های صادرات ایران، ملت و تجارت).

۲. صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله خودروسازی و صنایع فلزی (شامل باقی‌مانده سهام متعلق به دولت یا شرکت‌های دولتی در شرکت‌های ایران‌خودرو، سایپا، ملی صنایع مس و فولاد مبارکه).

۳. صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله صنایع پالایش نفت و پتروشیمی (شامل باقی‌مانده سهام متعلق به دولت یا شرکت‌های دولتی در شرکت‌های پالایش نفت تبریز، پالایش نفت بندرعباس، پالایش نفت اصفهان و پالایش نفت تهران).واگذاری سهام دولت و شرکت‌های دولتی در این میان از گروه یک آغاز شده و به ترتیب به دو گروه بعدی تسری می‌یابد. تا همین جای کار هم، حملات نقدهای کارشناسی به نحوه برخورد با سهام دولت‌ها و شیوه واگذاری بخش‌های حاکمیتی بسیار جدی است. به‌طوری‌که در گزارش اخیر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز این اقدام دولت مورد نقد جدی قرار گرفته است: «با توجه به گستردگی ابعاد موضوع، این رویکرد می‌تواند تبعات نامناسبی در اداره شرکت‌های منتقل‌شده به صندوق‌های سرمایه‌گذاری قابل معامله در بورس و نیز عملکرد بخش‌های اقتصادی که این شرکت‌ها در آنها حضور دارند (مثل بخش بانک‌داری) به دنبال داشته باشد و از سوی دیگر، منجر به تضییع حقوق مردم و اموال عمومی شده و به یک گره جدید در مسیر حکم‌رانی اقتصادی کشور تبدیل خواهد شد».این گزارش تأکید دارد: «هدف اصلی از این اقدام، درآمدزایی از ناحیه واگذاری مالکیت بنگاه‌ها و تأمین سریع کسری بودجه و در عین حال حفظ مدیریت دولت بر این شرکت‌ها تا پایان دوره برنامه ششم توسعه است. استفاده از سازوکار صندوق‌های سرمایه‌گذاری، اگر چه مسئله کوتاه‌مدت دولت را به نحو ساده‌ای حل می‌کند، اما مسئله‌ای بزرگ برای کشور در آینده ایجاد خواهد کرد» و بر همین اساس نیز هشدار می‌دهد: «به‌منظور اجتناب از آثار نامناسب اقتصادی در آینده، از تصمیم شتاب‌زده در این خصوص خودداری شده و این تصمیم برای بررسی بیشتر و اجماع کارشناسی فعلا به تعویق افتد». پیشنهادی که به نظر می‌رسد تاکنون گوش شنوایی در دولت پیدا نکرده است.

گران‌فروشی سهام با شگرد تخفیف

قرار است این سهام برای هر فرد، دو میلیون تومان و با تخفیف ۲۰درصدی در نظر گرفته شود که در معنای دیگر هر فرد با پرداخت یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان، صاحب سهامی به ارزش دو میلیون تومان خواهد شد. با این حال، برخی منابع مطلع به «شرق» خبر می‌دهند که قیمت‌گذاری این بخش از دارایی‌های دولت، بیشتر از ارزش واقعی است و حتی با تخفیف ۲۰درصدی، باز هم مردم این سهام را گران خواهند خرید. هرچند این نکته را نیز باید در نظر داشت که سوددهی این سهام با وجود گران‌بودن از سوددهی سپرده‌های بانکی بالاتر است.

ظهور ضلع پنجم در اقتصاد ایران

حسین حقگو، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با «شرق» این پرسش را مطرح می‌کند که آیا پس از خصولتی‌ها و در کنار دولت و بخش خصوصی و تعاونی، ضلع پنجمی در اقتصاد در حال تولد است؟این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه ماهیت صندوق‌های ETF به گونه‌ای است که نه خصوصی، نه دولتی، نه تعاونی و نه خصولتی به شمار می‌روند، ادامه می‌دهد: «سؤال اینجاست که چگونه قرار است مجمع عمومی برای شرکتی ایجاد کرد که چند میلیون عضو دارد؟ گفته می‌شود برخی سهام دیگران را می‌خرند و به‌عنوان سهام‌دار عمده حضور خواهند یافت، اما این کار چقدر زمان می‌برد؟ فرضا اگر چنین شد، چه تضمینی وجود دارد که با این افراد مانند خریداران سکه برخورد نشود و بعدها «سلطان» لقب نگیرند و با آنها برخورد قانونی نشود؟ یا برعکس چه تضمینی وجود دارد که افراد وابسته به دولت یا نهادها؟ اقدام به خرید سهام مردم نکنند و سهام‌داران عمده این شرکت‌ها شوند؟».

ساختار حقوقی صندوق‌های ETF در هاله‌ای از ابهام

حقگو با بیان اینکه ساختار حقوقی صندوق‌های ETF مشخص نیست، می‌افزاید: «حتی خصولتی‌ها هم مشخص است که چه افراد یا نهادهایی پشت آنها قرار دارند و این شرکت‌ها را اداره می‌کنند، اما در این صندوق‌ها، نیمی از سهام‌داران مالکان بزرگ‌ترین بنگاه‌های اقتصادی کشور می‌شوند، اما مدیریت آن در دست دولت است. این تجربه تا به حال در کشور وجود نداشته است. این اتفاق به معنای ظهور ضلع پنجمی در اقتصاد ایران است که هیچ نوع ساختار حقوقی روشنی برای آن تاکنون وجود ندارد».این کارشناس اقتصادی هشدار می‌دهد: «بسیاری از اقتصاددانان نونهادگرا و همچنین نئولیبرال معتقدند اگر رابطه حقوقی و مالکیت یک بنگاه اقتصادی مشخص نیست، اصلا امکان ورود آنها به اقتصاد آزاد وجود ندارد و بازار شکل نمی‌گیرد. در حقیقت، پیش‌شرط ورود یک بنگاه به بازار، مشخص‌بودن حقوقی مالکیت آن است. در غیر این‌صورت مدیریت، تخصیص منابع و... در یک بنگاه اقتصادی کاملا معنای خود را از دست می‌دهد و به تعبیری شاید در آینده، عاملی برای ایجاد اغتشاش و ویرانگری باشند، زیرا باید دائم سود کاذب تزریق کنند بدون آنکه بتوانند اصلاح روند داشته باشند. به این ترتیب، این پتانسیل وجود دارد که این بنگاه‌ها که سهامشان در قالب ETFها واگذار می‌شود، با حمایت‌های به‌اجبار دولتی، تبدیل به هیولاهایی شوند که کل اقتصاد خلاق و متکی بر حضور در بازارهای رقابتی را نابود کنند».

هشدار: مقابل فشار اجتماعی سهام‌داران برای سود نمی‌توان ایستاد

او هشدار می‌دهد: «با این اتفاق عملا سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های اقتصادی و همین‌طور طرح‌های تحقیق و توسعه، بی‌معنی می‌شود، زیرا باید دائما به سهام‌داران سود پرداخت کرد چون این انتظار در بین آنها وجود دارد و به‌سبب طیف عظیم سهام‌داران، نمی‌توان جلوی فشار اجتماعی ناشی از آن ایستادگی کرد. در حالی که این بنگاه‌ها در گذر زمان فرسوده می‌شوند و اگر توسعه نیابند، به مشکلات جدی برمی‌خورند».

سیاست ناقص «چینی» دولت

او در این گفت‌وگو تشابه ناقص عملکرد دولت در شیوه واگذاری را با دولت چین به میان می‌کشد: «آیا این اقدام نوعی تقلید از مدل چینی است؟ چینی‌ها معتقدند شرکت دولتی در ساختار سوسیالیستی، شبیه شرکت‌های سهامی عام در نظام سرمایه‌داری است. ادعایی که البته در شیوه مدیریت، کاملا متفاوت خواهد بود، زیرا در سهامی عام، سهام‌داران در مجامع در مورد سرنوشت شرکت تصمیم می‌گیرند، اما شرکت دولتی، ناظری ندارد که نقد به عملکرد دولت وارد کند که بتوان آن را اصلاح کرد». حقگو به نقل قولی از «رونالد کوز» در کتاب «چین چگونه سرمایه‌دار شد» اشاره کرده و می‌گوید: «چینی‌ها معتقدند همان‌طوری که در شرکت‌های سهامی عام، مالکان شرکت، گمنام‌اند، در شرکت‌های دولتی هم، مالکان گمنام هستند و به همه مردم تعلق دارد. غافل از آنکه عملکرد شرکت‌های «سهامی عام» در نظام سرمایه‌داری، در بستر مجموعه نهادهای قانونی و اقتصادی صورت می‌گیرد و نه اراده و خواست دولت و مقامات حزبی و مصلحت‌های سیاسی حزب کمونیست چین!».

ایجاد هلدینگ‌هایی بدون ناظر

او عواقب این اقدام را این‌گونه شرح می‌دهد: «با این اقدام دولت، این شرکت‌ها به یک‌سری هلدینگ‌هایی تبدیل می‌شوند که نه قانون تجارت بر آنها حکم خواهد راند و نه می‌توان بر آنها از طریق نهادهای ناظر دولتی، نظارت کرد. این اقدام موجب آشفتگی در نظارت این شرکت‌های مهم اقتصادی خواهد شد، درحالی‌که دولت ضرورت داشت که در واگذاری سهام دولتی از شرکت‌های زیرمجموعه و کوچک‌تر اقدام کند نه اینکه مدیریت آنها را دچار مشکل کند».

نوع صندوق سرمایه‌گذاری قابل معامله	نام شرکت یا بنگاه	درصد سهام موضوع واگذاری
واسطه‌گری مالی	بیمه البرز	۱۷.۰۰
	بیمه اتکایی امین	۱۱.۴۴
	بانک صادرات	۱۶.۹۸
	بانک ملت	۱۶.۹۶
	بانک تجارت	۱۶.۶۹
خودروسازی و صنایع فلزی	ایران‌خودرو	نهایی نشده
	سایپا	
	ملی صنایع مس	
	فولاد مبارکه	
صنایع پالایش نفت و پتروشیمی	هلدینگ پتروشیمی خلیج‌فارس	نهایی نشده
	پالایش نفت تبریز	
	پالایش نفت بندرعباس	
	پالایش نفت اصفهان	
	پالایش نفت تهران	

ادامه از صفحه ۴

لطفا عکس واقعی منتشر کنید

ثانیا: این جمله با عجله‌ای که در اداکردن آن وجود دارد، به نوعی دستور خروج از کشتی محسوب می‌شود، زیرا آماده‌کردن لایف‌بوت برای خروج از کشتی‌ها صورت می‌پذیرد، نه برای رفتن به دریا جهت تفریح و ماهیگیری‌کردن. ثالثا: در صوت در اختیار آقای عبدالهی، صدای بازشدن در اتاق فرماندهی و خروج یک نفر و سپس بازگشت فردی به داخل و خروج مجدد و همچنین صحبت‌کردن با تلفن قابل استماع است. رابعا: یکی از خدمه‌ها (احتمالا یک نفر ایرانی) از بیرون پل فرماندهی، طی دو مرحله، سه بار کلمات انگلیسی Go Go Go که در اینجا به معنی سریع حرکت کن و برو است را ادا می‌کند. در نتیجه چهار نفر خدمه (کاپیتان قصاب عروجی، افسر سوم میلاد عنایتی و دو نفر خدمه بنگلادشی) از اتاق کنترل فرماندهی خارج شده تا سوار قایق نجات شوند.بر فرض محال، اگر اظهارات شرکت ملی نفتکش مبنی بر خفه‌شدن خدمه در دقایق اولیه صحیح باشد، باید امدادگران چینی که به داخل کشتی رفته‌اند، جسد خدمه را در کنار پل فرماندهی مشاهده می‌کردند. فرمانده چهار امدادگر چینی که روی سانچی رفته بوده، در تاریخ ۹۶/۱۱/۲۰ عنوان می‌دارد: «قسمت‌های مختلف کشتی ازجمله کابین اقامت کاپیتان و کابین اسکان خدمه را گشتیم ولی جسدی مشاهده نکردیم»، اینها دلیلی بر خروج خدمه از کشتی است.

۹. ترکیب محموله سوخت: شرکت ملی نفتکش، مطابق روال سابق، با کلی‌گویی مدام عنوان می‌کند مطالب و نظریات ما غیرکارشناسی و غیرعلمی است. درحالی‌که تمام تحقیقات ما با استفاده از نظرات خود کاپیتان‌ها و کارشناسان مختلف شرکت ملی نفتکش انجام پذیرفته است. شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی، مقاله‌ای را در سال ۱۳۸۹ تحت عنوان «H2S و خطرات آن»، چاپ کرد که در اینترنت قابل دسترس است و اینجانب آقایان را به مطالعه آن ارجاع می‌دهم. طبق نظر خود شرکت نفت، H2S با غلظت بالای ۱۰۰۰ قسمت در میلیون (PPM) باعث مسمومیت حاد و در غلظت بالای ۲۰۰۰ قسمت در میلیون (PPM) باعث مرگ می‌شود. سؤال ما از ملی نفتکش این است که محموله کشتی دقیقا چه نوع سوختی بوده است که گاز متصاعد از آن بیش از چهار واحد PPM داشته و باعث فوت خدمه شده است؟

۱۰. استفاده از قایق نجات سمت راست: اگر واقعا قایق سمت راست از بین رفته و خدمه از آن استفاده نکرده‌اند، چرا ملی نفتکش اصرار دارد تا ماجرا را طور دیگری جلوه دهد؟ بنده در اینجا تنها به یک مورد اشاره می‌کنم.

اول: آقای فرحبد معاون بازرگانی ملی نفتکش، در مصاحبه مورخ ۹۸/۹/۲۷ با ایرنا عنوان می‌کند: «به دلیل قطع برق در سه دقیقه اول، دسترسی به قسمت‌های مختلف کشتی برای خدمه از بین رفته است». این موضوع مورد پذیرش نیست، زیرا قایق‌های نجات برای فرستاده‌شدن در آب نیازی به استفاده از برق نداشته، به‌وسیله باتری استارت زده و روشن شده و با وزن خود قایق به داخل دریا فرستاده می‌شوند. ترمز و اهرم‌های پایین‌فرستادن قایق، به‌صورت مکانیکی عمل کرده، از داخل خود قایق قابل استفاده است. کپسول داخل آن هم دود داخل فضای قایق را خارج می‌کند.

دوم: آقای فرحبد با چاپ عکس‌های مربوط به بقایای قایق و بازوی سمت چپ و تعمیم دادن آنها به هر دو قایق سمت چپ و راست با اظهاراتی از قبیل اینکه: «بررسی تصاویر نیز حکایت از وجود بقایای سوخته هر دو قایق نجات سانچی بر روی عرشه دارد» یا: «از سوی دیگر بررسی جرثقیل‌های نگهدارنده قایق‌های نجات در دو سوی سانچی حکایت از آن دارد که قایقی به آب انداخته نشده» و... «اما تصویر زیر نشان می‌دهد که محور هر دو جرثقیل به‌صورت عمودی و بر سر جای خود ثابت بوده است» و بعد از این مقدمه‌چینی، عکسی از بازوی قایق سمت چپ را به چاپ رسانده و با این کار خود به خواننده چنین وانمود و القا می‌کند که بازوی قایق سمت راست نیز در سر جای خود قرار داشته و خدمه از قایق سمت راست استفاده نکرده‌اند. ایشان در حقیقت، با چاپ عکس بازوی قایق سمت چپ کشتی سانچی، به جای بازوی سمت راست، اقدام به وارونه جلوه‌دادن حقیقت کرده‌اند. یعنی با انتشار عکسی که فاقد سندیت و ارزش حقوقی است و منابع آن مبهم و قابل تشخیص برای مردم نیست، موضوع را وارونه جلوه داده‌اند.

سوم: با وجود هفت روز عکس‌برداری و فیلم‌برداری از اطراف سانچی، شرکت ملی نفتکش حتی یک بار هم عکس واضحی از محل نصب بازوهای سمت راست قایق نجات سانچی و به قول خودشان بقایای سوخته‌شده قایق سمت راست منتشر نکرده است. وکلای خانواده‌ها عکسی را که نشان می‌دهد بازوی قایق سمت راست از جای خود حرکت کرده و قایق به داخل آب فرستاده شده منتشر کرده و فیلم آن را هم در اختیار دارند.

به‌هر صورت، اگر شرکت ملی نفتکش در گفتار خود صداقت دارد، اینجانب تقاضا دارم تا عکس مشخص و واضحی را از محل بازوهای قایق سمت راست که مدعی ازبین‌رفتن آن هستند، منتشر کنند. مسئله آن است که بدانیم شرکت ملی نفتکش چه چیزی را کتمان می‌کند؟

سخن آخر اینکه در ایران و تمام کشورهای دنیا، افرادی بر اثر سوانح سیل، زلزله، آتش‌سوزی و... فوت می‌کنند. وقتی یک انسان بمیرد، خانواده وی بالاخره خواهند پذیرفت، ولی وقتی انسانیت بمیرد، هیچ‌کس نخواهد پذیرفت و کوتاه نخواهد آمد.

احمد ذاکری. وکیل ۱۰ نفر از خانواده‌های خدمه مفقود سانچی

خبر

وزیر صمت عصر دیروز برکنار شد

عزل غیرمنتظره

● **شرق:** رضا رحمانی وزیر صنعت، معدن و تجارت (صمت) در حالی که صبح کاری خود را در ستاد تنظیم بازار گذرانده بود، کمی بعد از قرائت گزارش کمیسیون اصل ۹۰ از تخلفات صنایع خودروسازی و دیدار با رئیس قوه قضائیه، حوالی ساعت ۱۸ عزل و به جای او حسین مدرس‌خیابانی قائم‌مقامش، سرپرست این وزارتخانه بزرگ در سال جهش تولید شد.رضا رحمانی وزیر صمت پس از پذیرش استعفای محمد شریعتمداری، به عنوان سرپرست وزارت صمت در ۲۸ مهر سال ۹۷ منصوب شد. او در حالی که تا ساعت ۱۳ روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت سال ۹۸ در جلسه ستاد تنظیم بازار درگیر تعیین قیمت برای مرغ، تخم‌مرغ، گوجه‌فرنگی و خودرو بود، یکباره حوالی ساعت ۱۸ با حکم رئیس‌جمهور از سمت خود برکنار شد و حسین مدرس‌خیابانی به جای او وظیفه مدیریت وزارتخانه بزرگ صنعت، معدن و تجارت را بر عهده گرفت. هم‌زمان با جلسه ستاد تنظیم بازار اما در مجلس نشست دیگری برپا بود. کمیسیون اصل ۹۰ گزارشی ارائه کرد که از تخلف بزرگ خودروسازان حکایت داشت و این خبر داشت در میان مردم دست به دست می‌شد. رضا رحمانی هم بعد از جلسه ستاد تنظیم بازار با ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه، در رابطه با صنعت خودرو و وضعیت هیکو دیدار داشت. رئیسی در این دیدار به رحمانی گوشزد می‌کند که نظام تولید و توزیع خودرو باید به گونه‌ای باشد که نیازمندان واقعی بتوانند به سهولت از خودروسازان خودروی مورد نیاز را تهیه کنند و فرصت التهاب‌آفرینی از افراد سودجو و فرصت‌طلب گرفته شود. وزیر سابق صمت هم در این دیدار ضمن ارائه گزارشی از وضعیت بازار خودرو وعده می‌دهد که در حوزه تولید خودرو به گونه‌ای رفتار شود که مانعی فراروی تولید ایجاد نشود و تولیدات خودرویی به سهولت به دست مصرف‌کننده برسد.بعد از اتمام این جلسه، در حالی که هیئت تحقیق و تفحص مجلس نیز خود را آماده می‌کرد که امروز یا هفته بعد گزارش جامع و کاملی از دلایل ضعف صنعت خودرو ارائه کند، یکباره حسن روحانی با حکمش، همه را شوکه کرد. منابع مطلع می‌گویند گویا اثبات این مسئله که مقصر بروز اشکال در بخش تولید خودرو و کنترل قیمت و بازار این محصول، وزیر صمت بوده است، رئیس‌جمهور را مصمم کرده که رحمانی را عزل و قائم‌مقام این وزارتخانه را به عنوان سرپرست معرفی کند.از سوی دیگر روحانی که پیش از تشکیل دومین دولتش وعده داده بود وزارت بازرگانی را احیا خواهد کرد، با روی‌کارآوردن رحمانی قصد داشت به این وعده‌اش عمل کند. همان روزهای روی‌کارآمدن رحمانی، همه گمانه‌ها بر این اساس بود که وزیر سابق کمک خواهد کرد که وزارت بازرگانی بار دیگر شکل بگیرد. با تشکیل معاونت بازرگانی در وزارت صمت و انتصاب حسین مدرس‌خیابانی به سمت قائم‌مقام این وزارتخانه این گمانه‌ها تقویت شد که به سرعت وزارت بازرگانی شکل خواهد گرفت (جالب آنکه خیابانی سوابق زیادی در مدیریت بخش‌های صنعتی دارد) اما گویا رحمانی خود یکی از مهم‌ترین مخالفان شکل‌گیری وزارت بازرگانی بوده است. برخی منابع مطلع می‌گویند لابی‌های رحمانی یکی از موانع تشکیل وزارت بازرگانی بوده و به همین دلیل رئیس‌جمهور او را عزل کرد تا یک وزارتخانه تخصصی برای بخش بازرگانی تشکیل شود.وزارتخانه‌ای که البته تشکیل آن با مخالفت‌های کارشناسی زیادی همراه است زیرا ادغام وزارت صنعت و معدن و بازرگانی و تولید سربرگ برای وزارتخانه جدید نزدیک به سه سال طول کشید و حالا با تفکیک این وزارتخانه‌ها باز هم هزینه‌های زیادی به کشور تحمیل خواهد شد و از این ادغام و تفکیک‌ها نه تنها چیزی عاید کشور نمی‌شود بلکه در سال جهش تولید، زمینه فرسایش نیروهای تخصصی را فراهم می‌کند.حسن روحانی در حکمی حسین مدرس‌خیابانی را به عنوان سرپرست این وزارتخانه منصوب کرده است. مدرس‌خیابانی قائم‌مقامی که حالا به عنوان سرپرست معرفی شده است، کیست و چه سوابقی دارد. او متولد سال ۴۷ و دانش‌آموخته کارشناسی مهندسی مواد و متالوژی و کارشناسی ارشد مهندسی صنایع است. خیابانی دکترای مدیریت استراتژیک دارد. او تاکنون قائم‌مقام وزارت صمت، قائم‌مقام معاونت بازرگانی داخلی، مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی وزارت بازرگانی، مدیر کل دفتر تنظیم بازار، مدیر کل تأمین و توزیع کالا، مدیر کل کالاهای صنعتی، مدیر کل تولیدات و طرح‌ها و مدیر گروه فلزات را در کارنامه کاری خود در بخش دولتی دارد. همچنین سرپرست فعلی وزارت صمت در گذشته رئیس هیئت مدیره موتورسازان (تراکتورسازی ایران)، مدیرعامل سیمان زنجان، عضو هیئت مدیره فولاد خراسان، مدیرعامل سیمان غرب، مدیرعامل شرکت توسعه صادرات، مدیرعامل سیمان مازندران، عضو هیئت مدیره سیمان شمال، عضو هیئت مدیره سیمان ساروج بوشهر، عضو هیئت مدیره سیمان فراز و عضو هیئت مدیره سیمان شاهرود بوده است. در رزومه او مشاور مدیر عامل صندوق بیمه روستایی، مشاور مدیر عامل شرکت صنایع ریخته‌گری ایران، مشاور مدیرعامل گروه بهمن، مشاور مدیرعامل سازمان حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکنندگان و مشاور مدیرعامل سرمایه‌گذاری گل‌گلهر درج شده است.اگرچه روحانی در بسیاری از موارد، سرپرست وزارتخانه را به عنوان گزینه وزارت به مجلس برای رأی اعتماد معرفی نکرده است اما برخی منابع بر این باورند که این بار حسین مدرس‌خیابانی به عنوان گزینه پیشنهادی وزارت به مجلس معرفی خواهد شد.